

American Cultural and Social Activities in Iran in the Pahlavi Period (the case of Isfahan)

Masumeh Goodarzi Borojerdi¹ | Morteza Nouraei² | Abolhasan Fayaz Anoosh³

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Abstract:

Purpose: This paper explores the policies and purposes of half a century of cultural and social activities of Americans in Iran, from around 1925 to 1979.

Methodology and Research Design: A descriptive-analysis research method was used based on documents, library, press resources and interviews.

Findings and Conclusion: Activities were driven by the political interests of the United States. Promotion of American values and life style as an ideal model was pursued consistently under the cover of cultural, social, and anthropological programs for enhancing political influence. Isfahan, as an industrial and business hub of Iran, was at the center of the interest. Enjoying judicial immunity, some of the American officials engaged in activities that lead to outrage among the public.

Keywords:

cultural relations, social relations, Pahlavi's Era, Isfahan, USA.

1. PhD Student, Department of History,
University of Isfahan, Isfahan, I. R. Iran

mitra_goodarzi52@yahoo.com

2. Professor, Department of History,
University of Isfahan, Isfahan, I. R. Iran,
(Corresponding Author),

mortezanouraei@yahoo.com

3. Associate Professor, Department of
History, University of Isfahan, Isfahan,
I. R. Iran

amiranush2016@gmail.com

Copyright © 2017-2018, NLAJ (National
Library & Archives of I. R. Iran). This is
an Open Access article distributed under
the terms of the Creative Commons
Attribution 4.0 International, which
permits others to download this work,
share it with others and adapt the material
for any purpose

Ganjine-Ye Asnad

«110»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/ganj.2018.2288

Indexed by ISC, SID & Iran Journal | Vol. 28, No. 2, Summer 2018 | pp: 76-104(29)

Received: 6, May. 2017 | Accepted: 18, Feb. 2018

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

مناسبات فرهنگی و اجتماعی آمریکا با ایران در دوره پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷ ش) (مطالعه موردی شهر اصفهان)

معصومه گودرزی بروجردی^۱ | مرتضی نورائی^۲ | ابوالحسن فیاض انوش^۳

چکیده:

هدف: این پژوهش با تکیه بر اسناد به بررسی و بازشناسی اهداف و سیاست‌های درازمدت فرهنگی آمریکا در دوره پهلوی در شهر اصفهان پرداخته است.
روش/ رویکرد پژوهش: پژوهش حاضر به روش تاریخی بر توصیف و تحلیل مبتنی است و بر پایه منابع اسنادی، کتابخانه‌ای، مطبوعاتی و مصاحبه انجام شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اهداف دیپلماسی فرهنگی آمریکا در ایران از هویت و منافع ملی آن کشور متأثر بوده است؛ بنابراین آمریکا با احداث مراکز آموزشی، انجمن‌های فرهنگی و باشگاه‌های لاینز و روتاری در ایران شیوه زندگی و ارزش‌های آمریکایی را به عنوان الگویی آرمانی دنبال می‌کرده است. موقعیت شهر اصفهان به عنوان قلب تپنده صنعت و تجارت، این شهر را به یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های فرهنگی-اجتماعی مستشاران آمریکایی تبدیل کرده بود. برخی از مستشاران تحت پوشش فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و مطالعات مردم‌شناسی درصدد افزایش نفوذ سیاسی خود بودند و با اتکا به مصونیت قضایی، پاره‌ای از معضلات اجتماعی را پدید آوردند. این معضلات، واکنش شدید و دیدگاه منفی مردم اصفهان را به حضور اتباع آمریکایی در این شهر به دنبال داشت.

کلیدواژه‌ها:

مناسبات فرهنگی؛ مناسبات اجتماعی؛ دوره پهلوی؛ اصفهان؛ آمریکا.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
mitra_goodarzi52@yahoo.com
۲. استاد تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، (نویسنده مسئول)
mortezanouraei@yahoo.com
۳. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
amiranush2016@gmail.com



گنجینه اسناد

«۱۱۰»

فصلنامه علمی-پژوهشی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا(چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا(الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): 10.22034/ganj.2018.2288

نماینه در ISC، SID و ایران ژورنال | http://ganjineh.nlai.ir

سال ۲۸، دفتر ۲، تابستان ۱۳۹۷ | صص: ۷۶-۱۰۴ (۲۹)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۱۶ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۹

تحقیقات تاریخی

مقدمه

براساس اسناد و شواهد تاریخی، آغاز روابط میان دو کشور ایران و آمریکا به دوران قاجار بازمی‌گردد. آغاز ورود آمریکایی‌ها به ایران، نه به صورت رسمی و با اهداف سیاسی-اقتصادی، بلکه با ورود مسیونرهای مذهبی به بخش‌هایی از ایران و با اهداف مذهبی-فرهنگی انجام شد. در سراسر دوران زمامداری قاجار و حتی پهلوی اول، روابط فرهنگی ایران و آمریکا خطوطی روشن و مجزا از مناسبات سیاسی داشت؛ ولی پس از جنگ جهانی اول، آمریکا با راهبرد درهای باز، سیاست دولت‌های روس و انگلیس را به چالش کشید. با آغاز جنگ جهانی دوم، ضعف قدرت‌های دیگر، زمینه‌ساز حضور پررنگ‌تر آمریکا در خاورمیانه و ایران شد و به تدریج دیپلماسی فرهنگی آمریکا به ابزاری برای تحقق اهداف سیاسی این کشور تبدیل شد.

پژوهش‌های زیادی در ارتباط با حضور آمریکایی‌ها و سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی آن‌ها در ایران دوره پهلوی انجام شده است؛ از جمله: کتاب بررسی سیاست‌های آمریکا در ایران از حسن واعظی؛ کتاب فراماسونرها، روتارین‌ها و لاینزهای ایران تدوین مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ مقاله «دیپلماسی فرهنگی آمریکا در ایران...» از حسام‌الدین آشنا؛ مقاله «روابط فرهنگی ایران و ایالات متحده آمریکا از شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲» از احمد رشیدپور و کورش فتحی؛ و مقاله «تلاش‌های غرب‌گرایانه رژیم پهلوی برای تحکیم سلطه فرهنگی-سیاسی در اصفهان از ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷ش» از مهدی مهرعلی‌زاده که به طور مشخص به بررسی تأثیرات فرهنگی و سیاسی کشورهای غربی از جمله آمریکا بر اصفهان پرداخته است.

مقاله حاضر بر آن است که با تکیه بر اسناد به مطالعه موردی مناسبات فرهنگی و اجتماعی آمریکایی‌ها در شهر اصفهان بپردازد؛ با توجه به این رویکرد پرسش‌های مقاله از این قرارند:

۱. نفوذ فرهنگی آمریکا بر کدام اصول اساسی تکیه داشت؟
۲. کدام بخش از سیاست‌های فرهنگی آمریکا، در اصفهان بیشتر اجرا شد؟
۳. مصونیت قضایی اتباع آمریکایی چه تأثیری در افزایش پاره‌ای از ناهنجاری‌های اجتماعی در شهر اصفهان داشت؟

درآمد

نخستین ارتباط آمریکا با ایران در سال ۱۲۰۹ش/۱۸۳۰م برقرار شد، زمانی که عده کمی از مبلغان مذهبی آمریکایی با هدف تبلیغ آیین مسیحیت راهی مناطق شمال غربی ایران

شدند؛ تا سال ۱۲۳۴ش/۱۸۵۵م تعداد این مبلغان در ایران به ۴۸ تن رسید (روبین، ۱۳۶۳، ص ۱۴). این افراد در چند سال فعالیت خود در ایران موفقیت زیادی به دست نیاوردند؛ به طوری که جوستن پرکینز^۱ اعلام کرد: «روزنه بسیار باریکی از امید در تهران برای فعالیت‌های میسیونری ممکن است، ولی وضع اصفهان از این حیث به نیمه‌های یک شب تاریک و ظلمانی شباهت دارد» (الدر، ۱۳۳۳، ص ۵). بیشتر این مبلغان آموزش‌های لازم را برای برقراری تعامل با مردم دیده بودند، ولی همچنان در رسیدن به اهداف خود دچار مشکل می‌شدند. میلسپو^۲ درباره برقراری ارتباط موفق با ایرانیان چنین می‌گوید: «آشنا شدن با زبان، تقویم و اصطلاحات و رسوم برای درک و شناختن مردم کافی نیست. علاوه بر این مسائل نه تنها بایستی با روحیات مردم، زندگی اجتماعی و تشکیلات سیاسی آنان آشنا شوند، بلکه باید مواظب باشند تا از هرگونه لغزش جزئی و سوء تفاهم مختصر که از به کار گرفتن وسایل غیرمعارف و ناآشنا پدید می‌آید، حذر کنند» (میلسپو، ۱۳۵۶/۲۵۳۶، ص ۱۳۳).

این مهمان‌های ناخوانده با عنایت به وضعیت نامناسب معیشتی، اقتصادی و فرهنگی مردم ایران، در این اندیشه بودند تا آیین و فرهنگ مردم ایران را در جهت امیال خود تغییر دهند. جیمز بیل^۳ دیدگاه آمریکایی‌ها را چنین توضیح می‌دهد: «نخستین گروه از آمریکایی‌ها به ایرانی‌ها به دیده تحقیر می‌نگریستند و به سادگی در میان خود درباره راه کارهای لازم برای نیل به هدف نهایی یعنی تغییر دین و آیین آنان بحث می‌کردند» (بیل، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۸). به هر روی، هیئت‌های آمریکایی رفته رفته موفق شدند در رقابت با سایر مبلغان مذهبی جایگاه خود را در برخی از شهرهای ایران تثبیت کنند. در واقع کمک‌های مادی و معنوی این هیئت‌ها و فعالیت‌های به ظاهر انسان‌دوستانه دولت آمریکا در سطح جهان، موجب شده بود تا نگاه دولت ایران نیز به سوی آنان معطوف شود؛ زیرا ایران دیرزمانی قربانی سیاست‌های رقابتی و استعماری روس و انگلیس شده بود و امیرکبیر صدراعظم وقت برای از بین بردن روابط انحصاری این دول، آمریکا را بهترین گزینه می‌دانست. او نخستین دولت‌مردی بود که برای برقراری رابطه میان ایران و آمریکا تلاش‌هایی را آغاز کرد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۸، ص ۳۲۳؛ رضازاده ملک، ۱۳۵۰، ص ۹). اگرچه امیرکبیر در برقراری رابطه سیاسی ایران و آمریکا پیش‌گام بود، ولی طرح پیش‌نهاد استخدام مستشاران آمریکایی، در دوره دوم مجلس تصویب شد. در اواخر دوره قاجار، انجام اصلاحات - به ویژه در ساختار نظام مالی کشور برای رفع نابسامانی‌های اقتصادی - ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بود. بر این اساس، در مجلس دوم مذاکره درباره استخدام مستشاران خارجی از اتباعت دولت‌های بی طرف، برای اجرای اصلاحات مطرح شد؛ در پی

1. Justin Perkins
2. Milsपो
3. James Bale



آن کشورهای فرانسه، ایتالیا، سوئد و سپس دولت آمریکا، مورد توجه رجال سیاسی ایران قرار گرفتند و در سال ۱۲۹۰ ش/۱۹۱۲ م هیئت مستشاران آمریکایی به سرپرستی مورگان شوستر برای سامان‌دهی وضع گمرک و مالیه ایران وارد تهران شد (احیائی، ۱۳۸۲، صص ۳۵-۳۶). این هیئت آمریکایی به دلیل فشارهای روسیه نتوانست کار چندانی انجام دهد و به ناچار ایران را ترک کرد؛ ولی ایران پس از جنگ جهانی اول، بیش از هر زمان دیگری به اصلاحات اقتصادی نیاز داشت.

لرزم سامان‌دهی اقتصاد ملی، استخدام متخصصان خارجی را ضروری ساخت؛ بنابراین دولت قوام‌السلطنه که قصد جلب آمریکاییان را داشت، تاحدودی موفق شد پای آمریکایی‌ها را به ایران باز کند. در پی اجرای این سیاست، لایحه استخدام مستشاران مالیه از آمریکا، به مجلس شورای ملی تقدیم شد (مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، جلسه ۱۱۸).

دوره پهلوی اول

روابط فرهنگی و دیپلماتیک ایران و آمریکا در سال ۱۲۶۲ ش/۱۸۸۳ م برقرار شد و دو کشور سفیر مبادله کردند. اولین سفیر آمریکا در ایران ساموئل بنجامین^۱ نام داشت که به‌عنوان سفیر و کنسول اول آمریکا منصوب شد. عمل کرد آمریکا در ایران از سال ۱۲۶۲ تا ۱۳۳۲ ش/۱۸۸۳ تا ۱۹۵۳ م به‌شدت تحت نفوذ و سلطه عمیق روسیه و انگلیس قرار داشت. سیاست کلی آمریکا در این مدت به‌ظاهر بر محور اعتماد و اثبات حسن نیت استوار بود. مشهورترین عناصر آمریکایی برای پیش‌برد این سیاست در آن مقطع زمانی، هوارد باسکرویل^۲، ساموئل مارتین جردن^۳ و لوییس دریفوس^۴ بودند. از زمان ریاست جمهوری روزولت^۵ (۱۳۲۲ ش/۱۹۴۳ م) سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران بسیار فعال‌تر از گذشته شد و هیئت‌های متعددی روانه ایران شدند (واعظی، ۱۳۷۹، صص ۵۳-۵۵). سیاستمداران مجلس ایران با واگذاری پاره‌ای امتیازات، خواهان آن بودند که آمریکا به‌عنوان قدرت سوم، در ایران حضور فعال داشته باشد؛ ولی دولت آمریکا با اعمال سیاست انزواگرایی، نتوانست به خواسته دولت ایران جامه عمل بپوشاند؛ بنابراین رضاشاه نیروی جایگزین دیگری را انتخاب کرد که با خواسته‌ها و افکار ناسیونالیستی او همگام باشد؛ بنابراین برای توسعه و نوسازی دست یاری به سوی آلمان‌ها دراز کرد.

دوره پهلوی اول آغاز مدرنیزاسیون ایران بود و از لحاظ مناسبات سیاسی-فرهنگی، ویژگی خاصی داشت. در این دوره، روابط فرهنگی با دولت آمریکا با مدیریت سفارتخانه آمریکا میان ایران و علاقه‌مندان به فرهنگ ایرانی در آمریکا ادامه یافت. از جمله این روابط

1. Samuel Benjamin
2. Howard Baskerville
3. Samuel Martin Jordan
4. Louis Dreyfus
5. Rosvelt



فرهنگی می‌توان به فعالیت‌های علمی آرتور پوپ^۱ در ایران و انتقال نتایج آن به آمریکا اشاره کرد. آرتور پوپ در سال ۱۹۳۱م/۱۳۱۰ش انستیتوی ایرانی را در نیویورک تأسیس کرد که چاپ یک دوره کتاب با نام هنر، مهم‌ترین دستاورد آن بود. مجله هنر و باستان‌شناسی ایران نیز از سال ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۸م/۱۳۱۰ تا ۱۳۱۷ش به‌طور منظم زیر نظر انستیتوی مذکور چاپ می‌شد. هم‌چنین در سال ۱۹۳۶م/۱۳۱۵ش مجمع بین‌المللی هنر و باستان‌شناسی ایران به‌همراه نمایشگاهی از آثار باستانی ایران به کوشش آرتور پوپ در شهرهای فیلادلفیا و بالتیمور برگزار شد (رشیدپور و فتحی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۹).

انجمن ایران و آمریکانیز از دیگر نهادهای فرهنگی آمریکایی بود که در پی سخنرانی آرتور پوپ در سال ۱۳۰۴ش/۱۹۲۵م با هدف گسترش فرهنگ آمریکایی در زمینه تدریس زبان، نمایش فیلم، اسلاید، کتابخانه، نشر مجله و دیگر ارتباطات فرهنگی، فعالیت خود را در ایران آغاز کرد. از آنجا که مؤسسات فرهنگی و آموزشی غالباً پوششی برای فعالیت‌های سیاسی بودند، حکومت پهلوی به‌لحاظ امنیتی بر فعالیت‌های فرهنگی خارجیان در ایران کنترل بیشتری داشت؛ از این‌رو در سال‌های اولیه حکومت، فشار فزاینده‌ای بر هیئت‌های نمایندگان مذهبی خارجی و مدارس اقلیت‌های مذهبی وارد شد. وزارت معارف در ۱۳ شهریور ۱۳۰۷ش/۵ سپتامبر ۱۹۲۸م، اداره مدارس مذهبی آمریکایی را به‌عهده گرفت و الگویی از مدیریت به‌وجود آورد که مدارس مذهبی ناگزیر به رعایت آن بودند. مبلغان مذهبی نیز که از سال‌ها پیش فعالیت خود را در ایران آغاز کرده بودند، اجازه یافتند به فعالیت‌های خیریه و آموزشی خود ادامه دهند، مشروط بر این‌که فعالیت‌های آنان مخل نظم یا مغایر با قوانین ایران نباشد. بیمارستان‌ها و مدارس مذهبی آمریکایی و انگلیسی - که در اوایل سال ۱۲۰۹ش/۱۸۳۰م تأسیس شده بودند - کم‌کم فعالیت خود را بیشتر رونق دادند. کالج آمریکایی پرسبیتی^۲ (البرز) در تهران و کلیسای انجمن مبلغان انگلیسی در اصفهان دو نهاد آموزشی بودند که در سطح زیر دانشگاه فعالیت می‌کردند. در سال ۱۳۱۹ش/۱۹۴۰م وزارت فرهنگ این مدارس را دولتی کرد. این مدارس متشکل از آموزگاران ایرانی و خارجی بود (امینی، ۱۳۸۱، صص ۳۰-۳۱).

اگرچه این نهادهای آموزشی همواره تحت مراقبت پنهان دولت ایران بودند، ولی دستگاه حاکم هرگاه احساس خطر می‌کرد از مداخله آشکار در کار آن‌ها هم ابایی نداشت. برخی از علما همچون آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله نائینی نیز بر این اعتقاد بودند که افراد تحصیل کرده در مدارس آمریکایی به‌مرور زمان اداره‌کننده مدارس اسلامی خواهند شد و متأثر از آموزش‌های مدارس آمریکایی به تربیت جوانان ایران خواهند پرداخت. این احساس خطر فرهنگی را آیت‌الله‌زاده خراسانی در نامه‌ای به دولت منعکس کرد و وزارت معارف به‌دنبال اعتراض علما و فرمان رضاشاه، از حضور اطفال ایرانی در مدارس ابتدایی آمریکایی

1. Arthur Pop
2. Presbytery



جلوگیری کرد (متولی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۸). از آن پس مدارس ملی ملزم شدند اطفال خود را با اخلاق ایرانی تربیت کنند و نگذارند اندیشه‌های آمریکایی در حوزه تحصیلات آن‌ها داخل شود (اسنادی از مدارس ایرانی در خارج و مدارس خارجی در ایران، ۱۳۸۱، ص ۳۰۴). این نگرانی‌ها تنها به ممانعت از حضور دانش‌آموزان ایرانی در مدارس آمریکایی ختم نشد، بلکه ویشام^۱ مدیر یکی از مدارس آمریکایی ایران به جرم ترویج تبلیغات مذهبی در میان دانش‌آموزان ایرانی محاکمه شد (اسنادی از مدارس ایرانی در خارج و مدارس خارجی در ایران، ۱۳۸۱، ص ۳۴۸). ایجاد تمایل به مسیحیت و کاستن از تعلقات دانش‌آموزان ایرانی به مذهب و فرهنگ اسلامی-ایرانی بخشی از برنامه‌های تبلیغی مستشاران محسوب می‌شد. براساس گزارش شهربانی اصفهان، در یکی از بیمارستان‌های این شهر، روزهای یکشنبه از بیماران و همراهان آن‌ها برای مشاهده اعمال مذهبی آمریکایی‌ها در کلیسا دعوت می‌شد و کتاب‌های مذهبی در اختیار آن‌ها قرار داده می‌شد (ساکماصف، ۲۹۳/۳۱۴۳).

دوره پهلوی دوم

با خروج رضاشاه از کشور روابط سیاسی و فرهنگی ایران با آمریکا وارد دوره‌ای تازه شد. مهم‌ترین تحول در این زمان، بهره‌گیری از پیشینه فرهنگی گذشته برای پیش‌برد اهداف سیاسی بود. این روند به صورت یک دیپلماسی تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش/۱۹۵۳م ادامه یافت (رشیدپور و فتحی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۰). آمریکا با تدوین راهبردی جدید برای حفظ و گسترش منافع ملی‌اش با بهره‌گیری از ابزارهایی مختلف همچون تغییر در ساختار اداری، و علمی و آموزشی درصدد نفوذ پایدار در ایران بود؛ بنابراین سفارت آمریکا در سال ۱۳۲۴ش/۱۹۴۵م با تأسیس بخش فرهنگی و مطبوعاتی روابط فرهنگی خود را با ایران بیشتر گسترش داد (نعمتی، ۱۳۹۴، صص ۸۰-۸۱).

اولین نفوذ همه‌جانبه آمریکا را در ایران در سال ۱۳۲۵ش/۱۹۴۶م (دوره زمامداری پهلوی دوم) شرکت آمریکایی موریس نودسن با اجرای طرح‌های عمرانی شکل داد. کار آمریکایی‌ها در ایران به تهیه برنامه‌هایی عمرانی که مسائل آموزش و پرورش را هم دربرمی‌گرفت خاتمه نیافت، بلکه این اقدامات مقدمه دخالت مستقیم آن‌ها در همه شئون کشور بود (طاهر احمدی، ۱۳۷۲، ص ۲۸). ویلیام وارن^۲ -مجری اصل چهار ترومن در ایران- برای تحول در ساختار نظام آموزشی، کمیته‌ای فرهنگی تأسیس کرد و با اختصاص ۲/۶۴۸/۰۰۰ دلار به آن کمیته اهداف زیر را برای تحول در ساختار نظام آموزشی ایران دنبال کرد:

- مشاوره به وزارت فرهنگ برای تحول در ساختار نظام آموزشی؛

1. Visham

2. William Warren



- گسترش فعالیت‌های فنی و حرفه‌ای در سطوح مقدماتی و عالی؛
- تأسیس مراکز آموزشی برای بزرگسالان و مناطق روستایی؛
- بهره‌مندی از دانش روز (تبادل استاد و دانشجو)؛

- فعالیت‌های مطبوعاتی، انتشاراتی و سمعی و بصری (پخش فیلم سینمایی و برنامه رادیویی) (انصاری، ۱۳۹۱، صص ۵۰-۵۲). دولت ایران با هم‌کاری کمیته فرهنگی اصل چهار و با تدوین برنامه‌ای برای تأمین نیروی انسانی متخصص و ماهر، به گسترش و تجهیز مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای (علم و صنعت) در شهرهای اصفهان، شیراز، مشهد و تهران پرداخت. از آنجاکه افراد متخصص برای تحول در ساختار نظام آموزشی و اداری کافی نبودند، استفاده از متخصصان آمریکایی نیز افزایش یافت (اسنادی از اصل چهار ترومن در ایران، ۱۳۸۲، ج ۱، صص ۷۵-۷۸). تراکم زیاد کارشناسان خارجی در دستگاه سیاسی-اداری ایران حتی نگاه مستشاران خارجی را نیز به خود معطوف کرده بود. به گفته شوستر اکثر مهره‌های اصلی و تصمیم‌گیرنده اروپایی‌ها بودند و بسیاری از سیاست‌گذاری‌های انجام‌شده در ایران در واقع ناشی از اراده آن‌ها بود (شوستر، ۱۳۶۸، ص ۹۹). در چنین وضعیتی برای ایرانیان بسیار دشوار بود تا خط‌مشی فرهنگی کشور را خودشان تعیین کنند. دولت آمریکا با اجرای برنامه کمک‌های اصل چهار در ایران و جذب قشر تحصیل‌کرده ایرانی، گروهی از تکنوکرات‌ها را برای هم‌کاری تربیت کرد. این گروه از نظر فرهنگی در افزایش تمایل جامعه ایرانی به سوی الگوهای جامعه غربی (آمریکایی) تأثیر به‌سزایی داشتند. هم‌کاری تکنوکرات‌ها وضعیتی مساعد برای نفوذ آمریکایی‌ها در جامعه ایران فراهم کرد (نعمتی، ۱۳۹۴، ص ۸۸).

اختلافات میان ایران و انگلیس بر سر قراردادهای نفتی نیز موجب شد تا طی سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۳۲ش/۱۹۵۱-۱۹۵۳م آمریکا از این مشکلات استفاده کند و نفوذ سیاسی خود را با پشتوانه فرهنگی گسترش دهد؛ بنابراین هیئت‌های متعدد اعزامی از آمریکا به ایران، فعالیت خود را در قالب خصوصی و عمومی در حوزه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آغاز کردند. پروژه‌های خصوصی عبارت بودند از: فعالیت وسیع «بنیاد خاور نزدیک»؛ «بنیاد فورد» (گروه مشورتی دانشگاه هاروارد)؛ «نشر فرانکلین» که در زمینه ترجمه آثار نویسندگان آمریکایی به زبان فارسی فعالیت داشت؛ «دوستان آمریکایی خاورمیانه»؛ «بنیاد ایران» - که مرکز پزشکی شیراز را تأمین می‌کرد- و «کنسر سیوم کالج لافایت» که مأمور توسعه کالاجی فنی در آبادان بود. هم‌چنین «بنیاد فولبرایت» هم - که از سال ۱۳۲۸ش/۱۹۴۹م در ایران فعال بود- با امضای قراردادی در ۲۷ آذر ۱۳۳۶ش/۲۷ نوامبر ۱۹۵۷م متعهد شد مبلغ ۲۵۰ هزار دلار در سال برای مبادله دانشجو و پژوهش‌گر بین دو کشور اختصاص دهد (بیل، ۱۳۷۱،

1. Ford
2. Franklin
3. Lafayette
4. Fulbright



ج ۱، ص ۲۰۱). علاوه بر این باید از سازمان نوبنیاد کمک‌های فرهنگی آمریکا به کشورهای جهان سوم هم یاد کرد که با عنوان سپاه صلح در سال ۱۳۴۰ ش/۱۹۶۱ م فعالیتش را در ایران آغاز کرده بود (احیائی، ۱۳۸۲، صص ۷۱-۷۲). هم‌چنین سرپرستی دو نهاد تربیتی بسیار حساس پیشاهنگی و تربیت‌بدنی کشور به فردی آمریکایی به نام گیبسون^۱ واگذار شد و مربیان تربیت‌بدنی و پیشاهنگی کشور تحت آموزش او قرار گرفتند. اداره اطلاعات آمریکا نیز برای نفوذ در فرهنگ ایران، برنامه‌ای را به نام «کمک‌های فنی آمریکا»، در آموزش و پرورش ایران پیاده کرد و براساس آن تعدادی فیلم و تجهیزات نمایش فیلم در اختیار اداره هنرهای زیبای کشور قرار داد؛ هم‌چنین با تربیت مربیان سمعی و بصری برای ترویج فرهنگ آمریکایی در مدارس ایرانی بیشتر کوشید (طاهراحمادی، ۱۳۷۲، ص ۲۸). اهداف دیپلماسی فرهنگی آمریکا در ایران را می‌توان مجموعه‌ای متأثر از منافع ملی آن کشور تلقی کرد. در واقع هدف از اجرای این فعالیت‌های به‌ظاهر فرهنگی، برانگیختن حس احترام مردم ایران به تاریخ فکری و فرهنگی آمریکا و نهادهای اجتماعی-اقتصادی و سنت‌های سیاسی این کشور بود. آمریکایی‌ها با روش‌های مؤثر در صدد بودند تا ذائقه ملت ایران را تحریک کنند و این‌گونه بر آنان سلطه یابند؛ ملتی که در جستجوی راهی برای رسیدن به پیشرفت‌های علمی-صنعتی بودند.

گسترش دامنه فعالیت‌های فرهنگی آمریکایی‌ها نگاه اصحاب مطبوعات را نیز به خود معطوف کرده بود. برای نمونه در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۰ ش/۶ مه ۱۹۵۱ م شرحی در روزنامه فریاد اصفهان درج شد مبنی بر این‌که: در قرائت‌خانه آمریکا تعدادی از دانش‌آموزان ایرانی با سینمای سیار، نمایش ارائه می‌دهند و از این دانش‌آموزان استفاده ابزاری می‌شود؛ بنابراین عمل کرد نمایندگان سیاسی آمریکایی مقیم در اصفهان باید به‌طور غیر محسوس تحت نظارت قرار گیرد (ساکماصف، ۲۹۳/۴۳۵۸).

آمریکایی‌ها در اصفهان

باشگاه‌های روتاری و لاینز

روتاری و لاینز از پدیده‌های جدید نظام سرمایه‌داری به‌شمار می‌روند. در وابستگی این دو محفل به نظام سرمایه‌داری غرب و رهبر جدیدالورود آن (آمریکا) تردیدی وجود ندارد. این باشگاه‌ها حتی از دیدگاه ساواک نیز از سازمان‌های جنبی فراماسونری محسوب می‌شدند (مراسان، پرونده ۱۲۱۴۶/۳، شماره ۳۰۷). تفاوت باشگاه‌های روتاری و لاینز با فراماسونری نه در ماهیت سازمانی آن‌ها، بلکه در ساختار اجرایی و شکل ظاهری آن‌ها بود. دو باشگاه مذکور محافلی علنی بودند و با مجوز رسمی مقامات اجرایی کشور تشکیل

1. Gibson



می‌شدند، برخلاف انجمن‌های ماسونی که پنهان‌کاری، بر فعالیت‌هایشان سایه انداخته بود و موجب تردید در بین طرفداران و مخالفانشان شده بود. عضویت و حضور زنان در باشگاه‌های روتاری و لاینز برخلاف انجمن‌های فراماسونری آزاد بود؛ حتی باشگاه‌های روتاری و لاینز ویژه زنان نیز با عنوان اینرویل^۱ در کنار باشگاه‌های مردان به فعالیت خود ادامه می‌دادند؛ به گونه‌ای که خانم «بانک»^۲ - همسر یکی از روتارین‌های اصفهانی - بانی تأسیس باشگاه اینرویل در اصفهان شد (فراماسونرها، روتارین‌ها و لاینزهای ایران، ۱۳۷۷، صص ۵۵-۶۲).

این باشگاه‌ها در حوزه‌های مختلف فعالیت داشتند. مرکز اسناد انقلاب اسلامی نتیجه بررسی ۳۶۰ سند آماری مربوط به باشگاه‌های مذکور را منتشر کرده‌است: ۲۰ درصد فعالیت این باشگاه‌ها به طرح موضوع‌های علمی و فرهنگی، ۲۲ درصد به موضوع‌های اجتماعی، ۲۴ درصد به موضوع‌های اقتصادی، ۴ درصد به موضوع‌های تاریخی و سیاسی، و ۳۰ درصد به موضوع‌های پیرامونی آن باشگاه‌ها اختصاص داشته‌است. براساس آمار، ۱۴ باشگاه روتاری در تهران و شهرستان‌ها فعالیت داشتند. باشگاه روتاری اصفهان هفتمین باشگاه و نخستین باشگاه فارسی‌زبان بود که در سال ۱۳۴۴ ش/۱۹۶۵ م تأسیس شد (فراماسونرها، روتارین‌ها و لاینزهای ایران، ۱۳۷۷، صص ۴۷-۵۹). جراید نیز در رشد و گسترش بیشتر این باشگاه‌ها سهم به‌سزایی داشتند. جراید اصفهان فعالیت باشگاه‌های لاینز را با محوریت عرضه خدمات نیکوکارانه به جامعه معرفی می‌کردند (روزنامه اولیاء اصفهان، ۱۳۴۵/۸/۴، ش ۱۱۰۵، ص ۴). در کنار تبلیغات جراید، توصیه محمدرضاشاه نیز به ورود و هم‌کاری در برنامه‌های نیکوکارانه این دست باشگاه‌ها، در عضوگیری بیشتر این باشگاه‌ها تأثیرگذار بود. در واقع باشگاه‌های روتاری و فراماسونری و لاینز به قانونی برای تحکیم پایه‌های سلطنت و کمک به ترویج هرچه بیشتر فرهنگ و تمدن غربی و مهم‌تر از همه، تقویت پایه‌های نوین نظام سرمایه‌داری ایران تبدیل شده بودند. آمد و شد مسئولان پیشاهنگی بین‌المللی به اصفهان و اجرای برنامه‌های اجتماعی در میان جوانان برای ترغیب آنان به روابط کاملاً آزاد دختران و پسران و ترویج فرهنگ و تربیت آمریکایی از جمله فعالیت‌های این باشگاه‌ها به‌شمار می‌آمد. اهمیت این موضوع برای تشکل‌ها و مراکز سیاسی-فرهنگی غربی مستقر در اصفهان، از جمله لژهای فراماسونری، کلوپ‌های لاینز، باشگاه‌های روتاری، و مراکز فرهنگی کنسول‌گری‌های آمریکا و انگلیس در آن حد بود که همسر کنسول آمریکا در اصفهان به‌عنوان عضو گروه موسیقی زنان آمریکایی مقیم ایران، برنامه‌های خاصی به نام هنر موسیقی اجرا می‌کرد که از دستاوردهای آن گسترش فساد و فحشا و گسست بنیان خانواده‌های مرتبط با ایشان بود (مهرعلی‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۲۴۶).

1. Inner While

2. Bank



باشگاه لاینز از جمله محافل سیاسی‌ای بود که با حمایت اجرایی مسئولان ارشد شهر و استانداری اصفهان اداره می‌شد. این باشگاه به بهانه اجرای سیاست‌ها و اهداف بشردوستانه در این شهر فعالیت می‌کرد؛ ولی از آنجاکه اهداف این سازمان‌ها با اصول و آرمان‌های اسلامی منافات داشت، جریان‌های معترض مذهبی اصفهان سعی در افشاگری و مقابله مستقیم با عمل کرد این باشگاه‌ها داشتند (مهرعلی زاده، ۱۳۸۶، ص ۳۴).

باتوجه به حضور تعداد زیادی از اتباع آمریکایی در شرکت‌های عمرانی، هلیکوپترسازی و صنایع نظامی اصفهان این اتباع به همراه ژان مکدوال^۱ -مدیر هتل ایران‌تور و یکی از اعضای مؤثر فراماسونری اصفهان- لژ خارجیان مقیم اصفهان را تشکیل دادند. در ۴ اردیبهشت ۱۳۴۴ ش/۲۴ آوریل ۱۹۶۵ م دکتر باخن^۲ به همراه مستر پین^۳ آمریکایی و دکتر غلامرضا کیان، مهندس شقاقی، سناتور پرویز کاظمی و دکتر پرتو، لژ اصفهان را تشکیل دادند. در اسناد ساواک اطلاعات مربوط به فعالیت‌های شعبه آمریکایی فراماسونری در اصفهان، با نام علی اصغر بختیاری پیوند خورده است (اسناد فراماسونری در ایران، ۱۳۸۰، ج ۲، صص ۳۳-۳۴). تعداد اعضای لژ نزدیک ۱۲۰ نفر بود. اکثر این اعضا آمریکاییان مقیم اصفهان بودند؛ بعضی از اتباع ایتالیا و انگلیس هم در این لژ شرکت می‌کردند، ولی تعدادشان بسیار محدود بود. جلسات لژ در منزل محمدرضا برومند در خیابان فتح‌آباد روبه‌روی هتل شاه عباس تشکیل می‌شد و هر ماه صورت جلسه‌ای برای گراند لژ تهران ارسال می‌شد؛ کرایه ماهیانه لژ را هم آمریکاییان پرداخت می‌کردند (اسناد فراماسونری در ایران، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۲۰).

انجمن ایران و آمریکا در اصفهان

انجمن ایران و آمریکا یکی از مؤسسات فرهنگی بود که در سال ۱۳۰۴ ش/۱۹۲۵ م به پیشنهاد حسین علاء تشکیل شد و طی ۵۰ سال فعالیتش به مهم‌ترین پایگاه فرهنگی آمریکا در ایران تبدیل شد. این انجمن شعبه‌هایی نیز در شهرهای اهواز، مشهد، کرمانشاه، شیراز، تبریز و همچنین اصفهان تأسیس کرد. از جمله فعالیت‌های جانبی این انجمن، هم‌کاری با بنیاد آمریکایی فولبرایت در زمینه مبادلات فرهنگی و آموزشی بین ایران و آمریکا، گسترش روابط نوجوانان ایرانی با آمریکایی، و مبادله شهروندان در قالب میهمان در خانواده‌ها در کشور مقابل به مدت یک تا سه ماه بود (ساکماصف، ۲۷۲۴/۲۹۳). سخنرانی‌های هفتگی، نمایش فیلم‌های تبلیغاتی آمریکایی، انتشار ماهنامه ایران و آمریکا (ماهنامه دانش) به دو زبان، اجرای موسیقی ایرانی و آمریکایی، تدریس زبان انگلیسی و گسترش روابط دوستانه بین ملت ایران و آمریکا از برنامه‌های شاخص این انجمن در

1. Jean McDowell

2. Dr Bachin

3. Mr pin



اصفهان به‌شمار می‌رفت (تبریزی، مصاحبه، ۱۴ آذر ۱۳۹۵). پایه‌گذاران این انجمن معتقد بودند: آشنایی با نحوه زندگی ملت‌های مختلف اندیشه و نگاه انسان را تغییر می‌دهد و این لازمه شناخت اندیشه‌هاست (روزنامه راه نجات، سال ۱۳۴۴، ش ۱۰۰۰)؛ بنابراین در سال ۱۳۴۵ ش/۱۹۶۶م انجمن، مسابقه انشایی با موضوع چگونه می‌توان تفاهم بین ایرانی‌ها و آمریکایی‌ها را توسعه داد، میان دانش‌آموزان و دانشجویان برگزار کرد که جایزه ممتاز آن بلیت رفت و برگشت به‌همراه یک ماه اقامت و گردش در آمریکا بود. انجمن ایران و آمریکا به سنجش موفقیت خود در وصول به اهداف تعیین‌شده بسیار علاقه‌مند بود، از این رو در سال ۱۳۵۴ ش/۱۹۷۵م برای بررسی میزان نفوذ و اثر برنامه‌های خود از شیوه‌های پیمایشی و مصاحبه با مخاطبان و پردازش‌های رایانه‌ای استفاده کرد. در میان اظهار نظر اشخاص مختلف درباره کارکرد انجمن ایران و آمریکا، نظر دکتر علی‌اکبر سیاسی - رئیس اسبق دانشکده ادبیات دانشگاه تهران - در جشن فارغ‌التحصیلی کانون تعلیماتی انجمن چنین است: «آشنایی با ملتی و طرز زندگی آن ملت، عقیده و طرز تفکر آدمی را عوض می‌کند و کار این انجمن همین است...» (آشنا، ۱۳۸۴، صص ۱۷-۱۸).

کنسول‌گری آمریکا در ۱۵ فروردین ۱۳۴۳/۴ آوریل ۱۹۶۴م و ویلیام راپ^۱ - یکی از مجرب‌ترین مستشاران آمریکایی - را برای پیش‌برد اهداف انجمن به سمت مدیریت انجمن ایران و آمریکا در اصفهان منصوب کرد. او به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، آلمانی و اسپانیایی و فارسی کاملاً تسلط داشت (ساکما، ۲۴۳۹/۲۹۷). ویلیام راپ قابلیت‌های ویژه‌ای برای اجرای اهداف تعیین‌شده داشت. او با اجرای برنامه‌های تفریحی، موزیکال و نمایش فیلم‌های مخصوص کودکان و نوجوانان سرمایه‌گذاری فرهنگ آمریکایی را در میان تأثیرپذیرترین لایه جامعه اصفهان آغاز کرد (ساکما، ۲۷۲۴/۲۹۳). براساس مستندات انجمن ایران و آمریکا، انجمن علاوه بر برگزاری کلاس‌های زبان انگلیسی، در هفته چهار جلسه آموزش رقص غربی نیز برگزار می‌کرد و شرکت در این کلاس‌ها محدودیت سنی نداشت. هم‌چنین کمیته جوانان انجمن، والیبال، هندبال، بیسبال و بسکتبال آموزش می‌داد. برگزاری مسابقات دوستانه میان بانوان آمریکایی مقیم اصفهان و بانوان اصفهانی نیز از برنامه‌های این کمیته بود (ساکما، ۲۷۲۴/۲۹۳). به گزارش اسناد، ۸۰ نوجوان و جوان اصفهانی در این کلاس‌ها ثبت‌نام کرده بودند (ساکما، ۲۷۲۴/۲۹۳). آمریکایی‌های مقیم اصفهان با راه‌اندازی کلوپ‌های تئاتر، رقص، موسیقی، ورزش و شو لباس در صدد کم‌رنگ کردن فرهنگ اسلامی - ایرانی و القای فرهنگ غربی - به‌عنوان فرهنگ برتر - در میان جوانان بودند. رقابت میان قدرت‌های بزرگ جهان در ایران، در گسترش بیشتر دامنه فعالیت این نهادها تأثیر به‌سزایی داشت، ولی به‌دلیل فضای مذهبی شهر اصفهان تنها طیفی

1. William Rap



محدود از افراد جامعه رویکرد مثبت به برنامه‌های انجمن داشتند و این برنامه‌ها تأثیر زیادی در میان اکثریت جامعه اصفهان نداشت.

تبلیغات سوء فرهنگی در مجلات و مطالعات مردم‌شناسی

سلطه و نفوذ در پوشش فعالیت‌های فرهنگی، بهترین ابزاری بود که همواره مستشاران از آن استفاده می‌کردند. تبلیغ فرهنگ اروپایی در مجلات یکی از این ابزارها بود. نشریه مرزهای نو از جمله نشریه‌های آمریکایی‌ای بود که اداره اطلاعات آمریکا در تهران آن را منتشر و به سایر شهرهای ایران ارسال می‌کرد. این نشریه علاوه بر اینکه به مسائل سیاسی، اقتصادی و پیشرفت‌های علمی آمریکا می‌پرداخت، در ترویج فرهنگ و سبک زندگی آمریکایی در میان جامعه ایرانی نیز سهم به‌سزایی داشت (مرزهای نو، ۱۹۷۷، ش ۹، ص ۲۸). نگرانی مقامات ایرانی از وسوسه‌ها و ترغیبات فرهنگی در نشریه‌های بیگانه باعث شد تا نظارت بیشتری بر انتشار این گونه نشریه‌ها اعمال شود؛ زیرا گروه‌های روشنفکری نیز از این نشریه‌ها حمایت می‌کردند؛ ولی عامه مردم به این نشریه‌ها توجه نمی‌کردند و تنها لایه‌هایی از جامعه توجه ویژه به این نشریات داشتند (وفایی، مصاحبه، ۱۲ آذر ۱۳۹۵)؛ بنابراین دولت برای پیش‌گیری از نشر برخی مطالب مصوب کرد تا نظارت دقیقی بر مطالب نشریات بیگانه در کشور اعمال شود. طبق این مصوبه در تاریخ ۱۳۴۳/۵/۲۲ شهربانی کل وزارت کشور نامه‌ای کاملاً محرمانه به شماره ۵/۲۶۶۶۸/ج خطاب به اداره اطلاعات شهربانی اصفهان ارسال و مقرر کرد: برای جلوگیری از فریب خوردن افراد ساده‌لوح در اصفهان و شهرستان‌های اردستان، فریدن، نائین و شهرضا از اشاعه تبلیغات در برخی از نشریات کمیته‌های بیگانه جلوگیری شود (ساکماصف، ۳۶۴/۲۳۵). اگرچه برخی نشریات خارجی به دلیل اشاعه تبلیغات سوء در معرض توقیف قرار گرفتند، ولی رقابت دولت‌های شوروی، انگلیس و آمریکا هم در توقیف این نشریات بی‌تأثیر نبود. معادلات مرسوم سیاسی انگلیس و شوروی - که طی چند دهه منافع سرشاری از ایران به دست آورده بودند - اکنون با حضور آمریکا به‌عنوان قدرتی جهانی در صحنه نظام بین‌الملل تغییر کرده بود؛ بنابراین این دو دولت در راستای حفظ موقعیت راهبردی خود از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کردند (بدایعی، ۱۳۸۷، ص ۲۹).

مطالعات مردم‌شناسی نیز یکی از پوشش‌هایی بود که اتباع خارجی برای رسیدن به مقاصد خود گاهی از آن استفاده می‌کردند. افراد غیرایرانی متقاضی مطالعات مردم‌شناسی در ایران ابتدا می‌بایست از نظر صلاحیت علمی تأیید می‌شدند و پس از تأیید مجاز بودند بر اساس محورهای تعیین شده در آیین‌نامه مربوط به مطالعات مردم‌شناسی فعالیت کنند



(ساکماصف، ۲۶۴/۱۴۲). یکی از حوزه‌های مطالعات مردم‌شناسی توجه به آیین‌های مذهبی بود. بیگانگان همواره به مظاهر فرهنگی و مذهبی ایرانیان و آداب‌ورسوم اقوام ایرانی علاقه نشان می‌دادند و این توجه ریشه در ادوار گذشته داشت؛ ولی ایرانیان اغلب رویکردی متفاوت به توجه اروپاییان نشان می‌دادند، زیرا نگران بودند به مقدساتشان بی‌حرمتی شود. حساسیت‌های مذهبی همواره در میان ایرانیان وجود داشت و زمانی که پای اجانب در میان بود، غیرت ایرانی به جوش می‌آید و سبب آشوب می‌شود.

باتوجه به این نگرانی‌ها، شهربانی استان اصفهان در تاریخ ۷ خرداد ۱۳۴۰ ش ۲۸ مه ۱۹۶۱ م از استاندار درخواست کرد تا براساس دستور وزارت کشور «از ورود اتباع بیگانه مقیم اصفهان به دسته‌جات عزاداری در ایام تاسوعا و عاشورا به منظور تماشا، عکس‌برداری و حضور در اماکن مذهبی به خصوص مساجد، جلوگیری به عمل آید، زیرا امکان تهییج احساسات افراد محلی و درنهایت درگیری وجود دارد» (ساکماصف، ۲۹۳/۸۲۶). البته نگرانی شهربانی بی‌دلیل نبود، زیرا گزارش‌های بسیاری در ارتباط با تهییج احساسات ایرانیان به حضور اتباع بیگانه در اماکن مقدسه وجود داشت. براساس گزارش اسناد، گاهی مستشاران آمریکایی تحت پوشش فعالیت‌های بهداشتی، آموزشی، تجارت، بازدید از مناطق طبیعی، معاشرت با مردم و حتی یادگیری زبان فارسی دنبال تضعیف منافع ملی ایران بودند (ساکماصف، ۲۹۳/۱۱۰، ۲۹۳/۸۱۹، ۲۹۳/۹۱۶، ۲۹۳/۴۶۴۱). به نظر می‌رسد حکومت پهلوی نیز عمل کرد برخی از هیئت‌های مستشاری آمریکایی در حوزه‌های مختلف کشور را مغایر با استقلال سیاسی و منافع ملی می‌دانسته‌است؛ ولی وابستگی شاه و دربار به آمریکا مانع از آن بوده‌است که بتوانند اقدامی مؤثر در این باره انجام دهند.

تأثیر مدارس و مراکز آموزش خارجی بر فرهنگ ملی

در دوره پهلوی نظام آموزش نوین به سرعت جایگزین آموزش سنتی شد و مدارس جدید دولتی توسعه یافتند. با افزایش تعداد مدارس به سبک نوین، کیفیت تعلیم و تربیت نیز می‌بایست ارتقا پیدا می‌کرد؛ بنابراین استخدام آموزگار و استادان خارجی بیش‌ازپیش ضرورت یافت. از سال‌های گذشته مدارس بهائیان، زرتشتیان، یهودیان، ارمنه و هم‌چنین مدارس میسیونری در کشور فعالیت داشتند. ایرانیان آموزش دیده توسط انگلیسی‌ها در هندوستان، در مدارس زرتشتی تدریس می‌کردند و دانش‌آموزان بهائی را مدرسان آمریکایی آموزش می‌دادند و مدارسشان را هم بهائیان آمریکایی اداره می‌کردند (بصیرت‌منش، ۱۳۷۸، ص ۷۵)

با توسعه مدارس در سال ۱۳۰۷ ش ۱۹۲۸ م مجلس اجازه داد ۸ نفر معلم خارجی



برای افزایش کیفیت تعلیم و تربیت استخدام شوند و به پیش‌نهاد مجلس در مدارس دخترانه، خیاطی، بهداشت و ورزش هم جزء برنامه‌های درسی قرار گرفت (ترابی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۵)؛ ولی با وجود صرف هزینه‌های فراوان در استخدام مستشاران از سوی دولت ایران و برخورداری آن‌ها از امکانات ویژه، برخی از این مستشاران تخصص لازم را در حوزه کار خود نداشتند و چه بسا در حین مأموریت مشغول یادگیری بودند؛ در تأیید این مطلب می‌توان به اظهارات کارمندان عالی‌رتبه فرهنگ نیز استناد کرد: «بر اثر دخالت مستشاران آمریکایی فاقد معلومات کافی، آشفتگی واضحی در برنامه‌های تحصیلی مشهود است» (احیائی، ۱۳۸۲، ص ۳۷۷).

البته افراد معدودی هم به بی‌صلاحیتی مستشاران آمریکایی اذعان داشتند و به عمل کردن آنان معترض شدند. مادام شارپ^۱ -یکی از مستشاران وزارت فرهنگ- در ارتباط با اعتراض وزیر فرهنگ به عمل کردن غلط مستشاران آمریکایی در حوزه آموزش چنین می‌گوید: «وزیر فرهنگ، محمد درخشش در مذاکره‌ای با دبیر اول سفارت آمریکا و رئیس اداره اطلاعات آن کشور در امور فرهنگی، چنین گفت: ... اگر علاقه‌مند به هم‌کاری با ایران هستید، به جای این‌همه مستشار فرهنگی، یکی دو نفر مستشار درجه اول برای ما تهیه کنید که از وجود آن‌ها بتوان برای بهبود وضع فرهنگ استفاده نمود» (احیائی، ۱۳۸۲، ص ۳۳۷). براساس اظهارات تعدادی از مستشاران، گاهی افرادی که به‌عنوان متخصص به ایران اعزام می‌شدند، انباردار، متصدی پست، مسئول پمپ‌بنزین، کارگر مکانیک، ریخته‌گر و شوهر بودند؛ ولی با عنوان متخصص از حقوق‌های زیاد و تسهیلات فراوانی برای زندگی برخوردار می‌شدند (احیائی، ۱۳۸۲، ص ۸۳).

به‌هرحال نمی‌توان برخی از تحولات ایجادشده توسط مدارس خارجی را نادیده گرفت. با احداث هر مدرسه به سبک اروپایی، در فرهنگ دانش‌آموزان دختر و پسر تغییراتی رخ می‌داد و اولین نتیجه این دگرگونی فرهنگی، تغییر لباس دانش‌آموزان بود (شریعت‌پناهی، ۱۳۷۲، ص ۱۸۹). مدارس اروپایی برخلاف انگیزه‌های مذهبی اولیه، عامل تحرک اجتماعی در ایران شدند و در تقابل تفکر سنتی و مدرن نقش به‌سزایی ایفا کردند. زمانی که خروج دختران از خانه به هر دلیلی نزد عموم مردم غیرقابل قبول بود، طرح موضوع آموزش دختران کاری بس دشوار محسوب می‌شد؛ ولی بسیاری از روشن‌فکران با الهام از تجارب عملی غرب و وجود مدارس اروپایی در ایران بر تعلیم دختران و اجباری کردن آن پافشاری کردند و آن را از عوامل اساسی رشد و ترقی کشور دانستند. تماس با اروپایی‌ها یکی از عوامل ترغیب ایرانیان به فاصله‌گرفتن از آداب و عادات پیشینیان خود بود. تردیدی نیست که مهاجران، فرهنگ تازه‌ای همراه با خود به کشور

I. Madam Sharp



میزبان می‌آورند. فرهنگی که در برخورد دو فرهنگ چیره می‌شود و یا از برخورد دو فرهنگ زاینده می‌شود، همچون پدیده‌ای اجتماعی تبلور می‌یابد و خودنمایی می‌کند. تا پیش از تأسیس مدارس مختلط ایرانی-خارجی بیگانگان -با همه گوناگونی ملیت‌هایشان- تأثیر چندانی در فرهنگ ملی ایران نداشتند؛ ولی پس از آنکه احداث مدارس مختلط همچون موجی شیوع یافت، با آمیزش فرهنگی ایرانی‌ها با فرانسوی‌ها، آمریکایی‌ها، آلمانی‌ها و انگلیسی‌ها... فضا و شبه‌فرهنگ تازه‌ای پدید آمد که دانش‌آموزان این گونه مدارس را از نظر اندیشه و رفتار و خصوصیات اخلاقی و ظاهری از بقیه دانش‌آموزان کشور متمایز کرد. مهاجران زبان، مذهب، و آداب و رسوم خود را به همراه می‌آورند و با فرهنگ کشور میزبان درمی‌آمیزند (هدایت، ۱۳۶۵، ص ۱۰۹)؛ شهر اصفهان نیز از رویارویی با بیگانگان مستثنا نبود. پای اتباع بیگانه برای بهبود و تسریع روند آموزش به مراکز آموزشی این شهر نیز گشوده شد. آمریکاییان همانند اتباع فرانسه، آلمان و انگلیس موفق شدند مدرسه‌ای مستقل در شهر اصفهان تأسیس کنند؛ این مدرسه در سال‌های پایانی حکومت پهلوی در مجاورت محل کار و سکونت اتباع آمریکایی تأسیس شد. با استناد به مطالعات میدانی، به دنبال افزایش مستشاران آمریکایی در اصفهان، مدرسه‌ای با نام «کار» در خیابان کاوه تأسیس شد، ولی با توجه به محدودیت‌ها و قوانین این مدرسه، ورود دانش‌آموزان ایرانی به این مدرسه بسیار دشوار بود، زیرا تمام دروس به زبان خارجی تدریس می‌شد؛ بنابراین بیشتر متقاضیان موفق نمی‌شدند در آزمون ورودی مدرسه نمره قبولی دریافت کنند. در واقع این مدرسه به فرزندان اتباع آمریکایی در اصفهان اختصاص داشت؛ ولی آنچه آشکار است، نمی‌توان بازتاب تأثیر فعالیت مدرسه آمریکاییان و دانش‌آموزان آن را در جامعه اصفهان نادیده گرفت (مسجدی، مصاحبه، ۱۸ آذر ۱۳۹۶؛ باقریه، مصاحبه، ۲۰ آذر ۱۳۹۶).

به دنبال تأسیس دانشگاه و سایر مراکز آموزش عالی در شهر اصفهان، نیاز به نیروی متخصص در این مراکز بیشتر ضرورت یافت، بنابراین دولت ایران نیروی مورد نیاز خود را دعوت و استخدام کرد. اسنادی در اثبات حضور فعال اتباع آمریکایی در مراکز آموزش عالی اصفهان بدین شرح وجود دارد:

رابرت ویکتور ون^۱ تبعه انگلیس، دارای دکترای بیوشیمی، در دانشکده شیمی دانشگاه اصفهان به تدریس اشتغال داشت (ساکماصف، ۲۹۳/۵۹۶۴). سارا تیلر بالدوین تبعه آمریکا، فوق‌لیسانس مردم‌شناسی، از دیگر مدرسان دانشگاه اصفهان بود. گلوریا ورا نواچک^۲ و اندرو نودلر^۳ از اتباع آمریکا، به تدریس زبان و ادبیات انگلیسی در دانشگاه مذکور اشتغال داشتند (ساکماصف، ۲۹۳/۵۹۶۴).

1. Robert Victor van
2. Gloria Vera Novacecca
3. Andrew Nodler



جان روپچک^۱ تبعه آمریکا، لیسانس روان‌شناسی و کاترین استرایپ، تبعه آمریکا، فوق‌لیسانس مدرس زبان انگلیسی نیز در دانشگاه اصفهان به تدریس مشغول بودند. ویرجینیا کابل^۲ تبعه آمریکا دارای مدرک لیسانس علوم نیز در دانشگاه اصفهان اشتغال داشت (ساکماصف، ۲۹۳/۵۹۶۴). به دلیل کمبود نیروی ماهر و متخصص در حوزه آموزش عالی، دانشگاه اصفهان تعداد دیگری مدرس استخدام کرد؛ به این نحو که در تاریخ ۲۹ فروردین ۱۳۵۴/۱۸ فوریه ۱۹۷۶ شهربانی استان اصفهان به درخواست دکتر معتمدی - رئیس وقت دانشگاه اصفهان - هفت نفر مدرس آمریکایی را با اسامی بانو دارلین پینگل^۳، مرلین رانیون^۴، ژان ماری^۵، لویزا میلو^۶، امیلی رنی^۷، ژنویو مو^۸ و روبرت بارنت^۹ احراز هویت و تأیید کرد سپس پروانه تدریس آنان صادر شد (ساکماصف، ۲۹۳/۵۹۶۴). طبق اعلام مدرسه عالی کورش کبیر اصفهان، لویزا میلو تبعه آمریکا دارای لیسانس علوم تربیتی در سمت مدرس زبان دبستان و مارک کامیل کازینو^{۱۰}، کلود جواناتان لستر^{۱۱}، اریک فرانسیس بروئو^{۱۲}، استفن ریچارد^{۱۳}، گلدینک اوزبورن^{۱۴}، جنیفر اوزبورن^{۱۵} در مدرسه عالی کورش - وابسته به دانشگاه اصفهان - اشتغال یافتند (ساکماصف، ۲۹۳/۵۹۶۴). مدرسه عالی کورش کبیر به دانشگاه اصفهان وابسته بود. این مدرسه تحت سرپرستی مدیران ایرانی اداره می‌شد، ولی تعداد بسیاری از مدرسان آن از اتباع دولت آمریکا بودند. براساس تحقیقات میدانی، برخی از افراد تحصیل کرده در این مدرسه اذعان داشتند که معلمان بیگانه نظم و ترتیب را به شدت در این مدرسه اعمال می‌کردند و تأثیر این اعمال نظم را در زندگی محصلان این مدرسه نمی‌توان نادیده گرفت (وحدت، مصاحبه، ۱۴ آذر ۱۳۹۶). تأسیس مدرسه عالی جهان‌گردی و آموزش هتل‌داری برای جلب سیاحان خارجی نیز از دیگر فعالیت‌های کارشناسان آمریکایی در اصفهان بود. تعدادی از کارشناسان سازمان ملل در هتل شرایتون اصفهان به آموزش هتل‌داری به علاقه‌مندان واجد شرایط پرداختند. این مدرسه به توسعه صنعت جهان‌گردی کشور و تأسیس هتل‌ها، آژانس‌ها و مؤسسات توریستی کمک فراوانی کرد؛ هم‌چنین در تعامل فرهنگی میان کشور ایران و سایر کشورهای اروپایی و آمریکایی تأثیر به‌سزایی داشت. برای نمونه در سال ۱۳۵۲ش/۱۹۷۴م در شهر لاس‌وگاس فضایی کاملاً منطبق با فرهنگ ایرانی برای پذیرایی مهمان‌های خارجی ترتیب داده شد. تخت‌های بزرگ به‌همراه میزهای کوچک، قلیان، سماور، پذیرایی در استکان‌های کوچک و کمرباریک به‌همراه تصاویر زیبای ایران، فضایی کاملاً شاعرانه، آرامش‌بخش و متفاوت از شهر جنجالی لاس‌وگاس ایجاد کرد و استقبال فراوانی هم از آن شد (ساکماصف، ۲۶۴/۹۴۹).

در نتیجه تعاملات و مناسبات اجتماعی میان مهاجران آمریکایی و مردم ایران تغییراتی

1. John Ropchka
2. Virginia Kabul
3. Darlene Pingel
4. Marilyn Reunion
5. Jean Marie
6. Luisa Milo
7. Emily Ronny
8. Geneva Moue
9. Robert Barnett
10. Mark Camille Casino
11. Claude Jazantan Leicester
12. Eric Francis Broo
13. Stephen Richard
14. Golden Osborne
15. Jennifer Osborne



مهم در فرهنگ میهمان و میزبان رخ داد. مهاجران مجموعه‌ای از عادات، رسوم، و عقاید - در یک کلام سبک خاص زندگی - خود را به همراه آوردند و تغییراتی را در عادات غذایی، موسیقی، تفریح، مناسبات اجتماعی، استخدام، آموزش و... در برخی از لایه‌های جامعه ایران ایجاد کردند؛ این تغییرات به آرامی رخ داد و به تدریج در قالب خرده‌فرهنگ نمایان شد.

پیامدهای اجتماعی افزایش مستشاران آمریکایی در اصفهان

حضور آمریکا در ایران، حکایت پیچیده‌ای بود. ورود ناگهانی مستشاران آمریکایی به اصفهان منجر به مشکلات عدیده‌ای شد. اغلب آمریکایی‌های اعزام شده به ایران، برای انجام مأموریت خود آمادگی و تخصص چندانی نداشتند. همین موضوع مشکلات زیادی با خود به همراه آورد. با وجود اینکه مشروب‌خواری و ضرب و جرح در بین آمریکایی‌هایی ساکن ایران شایع بود، ولی یکی از مشکلات اساسی ایجاد شده به دست آنان حوادث رانندگی بود که به کشته و مجروح شدن ایرانیان منجر می‌شد. به دنبال افزایش وقوع حوادث رانندگی، دولت ایران به لوئیس دریفوس - وزیر مختار آمریکا - معترض شد. دریفوس در ژوئن ۱۹۴۳م/ تیرماه ۱۳۲۲ش به واشنگتن اعلام کرد که حوادث متعدد و مشروب‌خواری و شرارت‌های رایج در میان آمریکایی‌ها بر وجهه آن‌ها در نزد مردم ایران اثر معکوس گذاشته است (بیل، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۷۸). این موضوع ناشی از آن بود که اغلب کارمندان آمریکایی با زیاده‌روی در مصرف نوشیدنی‌های الکلی و بی‌توجهی به مقررات رانندگی حادثه می‌آفریدند.

طبق گزارش شهرداری اصفهان، رابرت کالینز^۱ پیر - تبعه آمریکا - در روز ۲۷ مهر ۱۳۵۴ش/ ۱۹ اکتبر ۱۹۷۵م در بلوار فرح با ماشینش با اتومبیل شهرداری تصادف کرد و باعث جراحت سرنشینان اتومبیل شهرداری شد. این تبعه آمریکایی به مصرف نوشابه الکلی پیش از رانندگی اقرار کرد (ساکماصف، ۲۹۳/۵۹۳۹). براساس گزارش دیگری از ژاندارمری اصفهان، در تاریخ ۵ شهریور ۱۳۵۲ش/ ۲۷ اگوست ۱۹۷۳م جان کارول تبعه آمریکا، کارمند هنگ هوانیروز نیز به علت بی‌توجهی در خیابان بزرگمهر اصفهان با عابری به نام سیدعباس حسینی تصادف کرد و این حادثه باعث فوت این عابر شد (ساکماصف، ۲۹۳/۴۸۵). طبق گزارش شهرداری در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۴ش/ ۳ می ۱۹۷۴م کالی هاوکینز^۲ تبعه آمریکا در خیابان پارس با موتورسواری به نام ویلیام سیمونز^۳ تصادف کرد و سبب فوت سیمونز شد؛ از قضا هر دو نفر هم عضو شرکت بل هلوپتر بودند (ساکماصف، ۲۹۳/۵۸۱۱). به نظر می‌رسد که عدم محاکمه و تعقیب قانونی عامل اصلی این هنجارشکنی و افزایش قانون‌گریزی اتباع بیگانه بوده است.

1. Robert Collins
2. Cali Hawkins
3. William Simons



مجلس ایران در ۲۱ شهریور ۱۳۴۳ ش/ ۱۲ سپتامبر ۱۹۶۴ م قانونی را تصویب کرد که به موجب آن، کارکنان نظامی آمریکا و وابستگانشان در ایران از مصونیت کامل دیپلماتیک برخوردار می‌شدند. این مصوبه آمریکایی‌های شاغل در مناصب مستشاری نظامی در ایران را از قوانین ایران به طور مؤثری معاف می‌کرد. از این رو محاکمه مقامات نظامی آمریکا به دلیل جرائم ارتكابی در ایران در دادگاه‌های ایران ممکن نبود (بیل، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۵۳). همین موضوع سبب شد تا مستشاران به قوانین وضع شده در ایران بی‌توجه باشند. به گزارش اسناد، در اغلب تصادفات، رانندگان آمریکایی مست بوده‌اند. ضرب و جرح و بدرفتاری نیز از دیگر معضلات اتباع بیگانه به ویژه مستشاران آمریکایی در اصفهان بود و مصونیت قضایی هم به افزایش بدرفتاری آنان دامن می‌زد. در واقع مصونیت از هرگونه توییح و کیفر عامل سرپیچی مستشاران آمریکایی از رعایت حقوق شهروندی شده بود (ساکماصف، ۱۷۰/۲۹۳).

افزون بر این، از دیگر معضلات اجتماعی این مهمان‌های ناخوانده اعمال منافی عفت بود. مستی، بی‌بندوباری و پابند نبودن به اصول اخلاقی آنان گاهی فاجعه به بار می‌آورد (ساکماصف، ۲۹۳/۹۷۱، ۲۹۳/۹۷۲). اعتیاد و توزیع مواد مخدر نیز از دیگر مفسد اجتماعی ناشی از حضور اتباع بیگانه در اصفهان بود (ساکماصف، ۲۹۳/۲۳۰). رواج اعتیاد در میان مستشاران آمریکایی باعث نگرانی مقامات سیاسی و نظامی آمریکا در ایران شده بود؛ در یادداشت‌های دیپلمات‌های آمریکایی باعث نگرانی مقامات سیاسی و نظامی آمریکا در ایران شده بود؛ در یادداشت‌های دیپلمات‌های آمریکایی آمده است: مواد غیرقانونی (عمدتاً حشیش و آمفتامین) به راحتی در دسترس‌اند. سفیر جدید آمریکا خاطر نشان ساخته است که قصد دارد موضعی قوی علیه استفاده آمریکاییان از مواد مخدر اتخاذ کند (اسناد لانه جاسوسی، ج ۷: روابط آمریکا و شاه، ۱۳۷۳، ص ۲۷۲).

روابط ایران و آمریکا در فاصله سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ ش/ ۱۹۷۱-۱۹۷۸ م به دلیل افزایش صادرات نفت بیشتر گسترش یافت (ولایتی، ۱۳۸۷، ص ۷۰). تعداد آمریکایی‌های مشغول کار در ایران در مرداد ۱۳۵۵ ش/ ژوئیه ۱۹۷۶ م بیست و چهار هزار نفر گزارش شده است. فروش سلاح‌های پیچیده آمریکایی به ایران، حضور مستمر تعداد زیادی از آمریکایی‌ها را در ایران ایجاب می‌کرد (روبین، ۱۳۶۳، ص ۱۳۰). طبق گزارشی از نیروی زمینی شاهنشاهی در سال ۱۳۵۳ ش تعداد ۱۳۲ نفر از اعضای کمپانی بل آمریکا، در مرکز آموزش خلبانی مشغول انجام وظیفه بوده‌اند. علاوه بر این ۱۳۲ نفر، ۱۷۰۰ نفر کارکنان آمریکایی شرکت هلیکوپترسازی اصفهان هم از نظر سازمانی مستقیماً تحت مدیریت رؤسای آمریکایی خود کار می‌کردند (ساکماصف، ۲۹۳/۵۹۴۶). برخی از مستشاران آمریکایی در سازمان‌های نظامی، و تشکیلات فنی و اداری ایران با افسران و کارکنان

ایرانی هم‌کاری می‌کردند. این هم‌کاری سبب وقوع یک رشته مسائل اقتصادی، اجتماعی و افزایش احساسات ضدآمریکایی در جامعه ایران شد (روبین، ۱۳۶۳، ص ۱۱۱). حقوق کاپیتولاسیون به ابزاری برای سوءاستفاده اتباع خارجی تبدیل شده بود؛ به طوری که این افراد مدعی اصلاحات بدون پروا با پزشک بهداری، گارسون رستوران، عابرن پیاده و... درگیر می‌شدند (ساکماصف، ۲۹۳/۱۷۰). براساس اظهارات چند تن از کهن سالان اصفهانی، اکثر مردم اصفهان به حضور اتباع آمریکایی معترض بودند و از تعامل با آن‌ها خودداری می‌کردند (شیخی، مصاحبه، ۲۱ خرداد ۱۳۹۶؛ صراف بیدآبادی، مصاحبه، ۲۵ بهمن ۱۳۹۵).

مستشاران آمریکایی با عنوان کارشناس و متخصص به استخدام دولت ایران درمی‌آمدند. آن‌ها علاوه بر اختیارات فراوان در واحدهای شغلی خود، از امکانات و تسهیلات ویژه‌ای نظیر حقوق‌های کلان، اقامتگاه‌های خوش آب‌وهوا، اتومبیل‌های اختصاصی، سرویس‌های رفت‌وآمد، استفاده از هتل‌های مدرن، رستوران‌های لوکس و مراکز تفریحی هم برخوردار بودند. بهره‌مندی آن‌ها از زندگی‌ای ایده‌آل در ایران، اختلاف میزان حقوقشان با کارکنان ایرانی، بزهکاری و معضلات اجتماعی و هم‌چنین رفتارهای خشن آن‌ها باعث شده بود تا همواره از سوی مخالفان سیاسی حکومت تهدید شوند و امنیت جانی نداشته باشند (روبین، ۱۳۶۳، ص ۱۶۶؛ اسحاقی، مصاحبه، ۲۵ بهمن ۱۳۹۵؛ صراف بیدآبادی، مصاحبه، ۲۵ بهمن ۱۳۹۵).

چنانچه در مواردی مشخص شد که مردم اصفهان همواره درصدد بودند تا به بهانه‌های مختلف با خسارت‌زدن به اموال بیگانگان خشم خود را از حضور آن‌ها در ایران نشان دهند (ساکماصف، ۲۹۳/۲۴۸۶، ۲۹۳/۵۹۳۹). به گزارش سازمان اطلاعات و امنیت اصفهان در تاریخ ۱۳۵۶/۱۰/۲۱ مردم تعدادی از پلاک اتومبیل‌های سرویس سفارت آمریکا را ربودند. هم‌چنین در تاریخ ۱۳۵۷/۵/۲۲ و ۱۳۵۷/۷/۱۹ در رستوران محل تجمع آمریکایی‌های مقیم اصفهان و اتوبوس اختصاصی آنان بمب‌گذاری شد و در این حادثه چند آمریکایی کشته و زخمی شدند (اسناد لائنه جاسوسی، ۱۳۷۳، ج ۱۳، ص ۲۴۱). به گزارش همسر یکی از متخصصان شرکت بل، فرد ناشناسی تلفنی او را تهدید کرد، چنانچه از ایران خارج نشوند، کشته خواهند شد (احیائی، ۱۳۸۲، ص ۴۸۲). یادداشت‌هایی نیز در سطح وسیع با عنوان «یانکی‌های لعنتی» به کشورتان بازگردید یا کشته خواهید شد، در محل‌های کار و زندگی اتباع آمریکایی منتشر می‌شد (اسناد لائنه جاسوسی، ج ۱۳: دخالت‌های آمریکا در ایران (۴)، ۱۳۷۳، ص ۱۸). با افزایش وقوع این حوادث و اعتراض مردم اصفهان به حضور آمریکایی‌ها در این شهر، مقامات سیاسی آمریکا در ایران و هم‌چنین رئیس انجمن فرهنگی ایران و آمریکا در اصفهان، در سخنرانی‌ای، اتباع آمریکایی مقیم اصفهان را به حفظ آرامش فراخواندند و نکاتی درباره مسائل امنیتی به آنان متذکر شدند؛ ولی مردم با ایجاد جنگ روانی و شایع کردن

این خبر که در روز تولد محمدرضاشاه (۴ آبان ماه) ۳۰ نفر آمریکایی در اصفهان کشته خواهند شد، وحشت بزرگی در دل آمریکایی‌ها انداختند (مهرعلی زاده، ۱۳۸۶، ص ۲۵۱). تأثیر جنگ روانی، و ازدحام مردم در مقابل هتل کورش اصفهان برای تنبیه یکی از اتباع آمریکایی - که با فردی به نام محمود هندی مرجان درگیر شده بود- موجب شد تا مأمورین کلانتری، برای حفظ جان تبعه آمریکایی، او را به همراه کنسول آمریکا که در هتل حضور داشت به منزل آیت‌الله خادمی انتقال دهند. این افراد شب را به میل خود در خانه ایشان به سر بردند (یاران امام به روایت اسناد ساواک...، ۱۳۸۰، ص ۵۳۰). براساس گزارش کنسول آمریکا، علمای اصفهان نیز متحداً خواستار خروج بیگانگان از کشور بودند (اسناد لانه جاسوسی، ج ۱۳: دخالت‌های آمریکا در ایران (۴)، ۱۳۷۳، صص ۱۰-۱۱).

نتیجه

حضور آمریکایی‌ها در ایران با اشاعه پاره‌ای از الگوهای مذهبی و فرهنگی به دست میسیونرهای مذهبی آغاز شد، ولی دولت مردان آمریکایی با سیاست اتکاء به دستاوردهای آمریکاییان خوش‌نامی همچون باسکرویل، مورگان شوستر و آرتور میلسپو در ایران، درصد بودند تا مناسبات فرهنگی و اجتماعی میان دو کشور را گسترش دهند. در دوره پهلوی گروه بسیاری از مستشاران آمریکایی به ایران وارد شدند و تحت پوشش تحقیق، آموزش، بهداشت و سیاحت به دنبال راهی برای تحقق اهداف آمریکا در ایران از جمله اجرای سیاست‌های این کشور بودند. آن‌ها برای رسیدن به اهداف خود با تأسیس نهادهایی همچون باشگاه، انجمن، مدرسه، و نشر ماه‌نامه توانستند بر برخی از اقشار جامعه اثرات محسوسی برجا گذارند، ولی این تأثیرات -به‌ویژه در اصفهان که به‌لحاظ قوت مذهب و سنت جایگاه ویژه‌ای در ایران داشت- نتوانست فراگیر و ماندگار شود. در واقع نهادهای فرهنگی و اجتماعی آمریکایی در ایران -با وجود حمایت برخی دولت مردان ایران- در تحقق اهداف مدنظرشان ناکام ماندند. دیپلماسی فرهنگی آمریکایی بیشتر با رأس هرم قدرت تعامل داشت و نتوانست با شعارهای انسان‌دوستانه و مبادلات فرهنگی، ارزش‌ها و شیوه زندگی آمریکایی را به‌عنوان الگویی آرمانی در میان عامه مردم ایران ترویج کند. فساد اخلاقی و فرهنگی اغلب آمریکاییان در شهر اصفهان و مشکلات ناشی از مصونیت قضایی این اتباع برای مردم سبب شد تا احساسات ضدآمریکایی مردم اصفهان اوج بگیرد. آمریکایی‌ها بسیار کوشیدند تا در مبادلات اجتماعی و فرهنگی خود با ایران، چهره‌ای آزادی‌خواه، پویا و قوی از آمریکا ترسیم کنند و نشان دهند که در رسیدن ایرانیان به آرزوهای بالنده‌شان نقش به‌سزایی دارند، ولی این اهداف طبق نظر آن‌ها محقق نشد.

1. Baskerville



منبع

اسناد

اسناد منتشر نشده

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، مرکز اصفهان (ساکما/صف): شماره ۲۶۴/۱۴۲، ۲۶۴/۹۴۹، ۲۹۳/۱۱۰، ۲۹۳/۱۷۰، ۲۹۳/۲۳۰، ۲۹۳/۴۸۵، ۲۹۳/۸۱۹، ۲۹۳/۸۲۶، ۲۹۳/۹۱۶، ۲۹۳/۹۴۹، ۲۹۳/۹۷۱، ۲۹۳/۹۷۲، ۲۹۳/۲۴۸۶، ۲۹۳/۲۷۲۴، ۲۹۳/۳۱۴۳، ۲۹۳/۴۳۵۸، ۲۹۳/۴۶۴۱، ۲۹۳/۵۸۱۱، ۲۹۳/۵۹۳۹، ۲۹۳/۵۹۴۶، ۲۹۳/۵۹۶۴، ۳۶۴/۲۳۵.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): شماره ۲۹۷/۲۴۳۹.

مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، جلسه ۱۱۸.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران (مراسان): پرونده ۱۲۱۴۶/۳، شماره ۳۰۷.

اسناد منتشر شده

اسناد فراماسونری در ایران. (۱۳۸۰). (ج ۲). تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

اسناد لانه جاسوسی، جلد ۷: روابط آمریکا و شاه. (۱۳۷۳). (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، تهیه کننده). تهران: مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی آمریکا.

اسناد لانه جاسوسی، جلد ۱۳: دخالت‌های آمریکا در ایران (۴). (۱۳۷۳). (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، تهیه کننده). تهران: مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی آمریکا.

اسنادی از اصل چهار ترومن در ایران ۱۳۲۵-۱۳۴۶ ه.ش. (۱۳۸۲). (ج ۱). (تیمور بشیر گنبدی، کوشش گر). تهران: اسناد ریاست جمهوری.

اسنادی از مدارس ایرانی در خارج و مدارس خارجی در ایران (۱۳۰۱-۱۳۱۷ ه.ش). (۱۳۸۱). (عبسی عبدی، گردآورنده). تهران: مرکز اسناد ریاست جمهوری.

فراماسونرها، روتارین‌ها و لاینزهای ایران ۱۳۳۳-۱۳۵۷. (۱۳۷۷). (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تدوین گر). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج ۱۹: خادم شریعت: شرح مبارزات حضرت آیت الله سید حسین خادمی. (۱۳۸۰). تهران: مرکز نشر اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

کتاب

احیائی، زینب. (۱۳۸۲). *مستشاران آمریکایی در ایران به روایت اسناد*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

امینی، علی رضا. (۱۳۸۱). *تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوران پهلوی*. تهران: صدای معاصر.

انصاری، عبدالرضا. (۱۳۹۱). *ناگفته‌ها از روزگار پهلوی‌ها: خاطرات عبدالرضا انصاری*. (محمود طلوعی، مقدمه‌نویس و ویرایش گر). تهران: علم.



- بدای، حمیدرضا. (۱۳۸۷). *بررسی روابط سیاسی ایران و ایالات متحده آمریکا (۱۳۴۷-۱۳۳۲ ش) با نگاهی به اسناد وزارت امور خارجه*. تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- بصیرت‌منش، حمید. (۱۳۷۸). *علما و رژیم رضاشاه: نظری بر عمل کرد سیاسی-فرهنگی روحانیون در سال‌های ۱۳۰۵-۱۳۲۰*. (چ ۲). تهران: عروج.
- بیل، جیمز. (۱۳۷۱). *عقاب و شیر (تراژدی روابط ایران و آمریکا)*. (ح ۱). (مهوش غلامی، مترجم). تهران: کوبه.
- الدر، جان. (۱۳۳۳). *تاریخ میسیون آمریکائی در ایران*. (سهیل آذری، مترجم). تهران: نورجهان.
- رضازاده ملک، رحیم. (۱۳۵۰). *تاریخ روابط ایران و ممالک متحده آمریکا*. تهران: کتابخانه طهوری.
- رویین، باری. (۱۳۶۳). *جنگ قدرت‌ها در ایران*. (محمود مشرقی، مترجم). تهران: آشتیانی.
- شریعت‌پناهی، حسام‌الدین. (۱۳۷۲). *ارویایی‌ها و لباس ایرانیان*. تهران: قومس.
- شوستر، مورگان. (۱۳۶۸). *اختناق ایران*. (ابوالحسن موسوی شوشتری، مترجم؛ اسماعیل رائین و فرامرز برزگر، کوشش‌گران). تهران، صغی علی‌شاه.
- مهرعلی‌زاده، مهدی. (۱۳۸۶). *تاریخ سیاسی انقلاب اسلامی در اصفهان*. اصفهان: مرکز اصفهان‌شناسی.
- میلسپو، آرتور چستر. (۱۳۵۶/۲۵۳۶). *مأموریت آمریکایی‌ها در ایران*. (حسین ابوترابیان، مترجم). تهران: پیام.
- نعمتی، نورالدین. (۱۳۹۴). *روابط ایران و آمریکا در دوره پهلوی دوم*. تهران: نگاه معاصر.
- واعظی، حسن. (۱۳۷۹). *ایران و آمریکا: بررسی سیاست‌های آمریکا در ایران*. تهران: سروش.
- ولایتی، علی‌اکبر. (۱۳۸۷). *یک قرن ارتباط: پیشینه ارتباط ایران و آمریکا در سده گذشته و تأثیر تحولات جهانی بر این رابطه*. تهران: کانون جوان.
- هدایت، محمود. (۱۳۶۵). *مهاجرت‌های خارجی و علل و آثار آن در ایران*. تهران: مرکز اسناد و مدارک سازمان برنامه‌بودجه.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا. (۱۳۸۸). *سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی*. تهران: امیرکبیر.

مقاله

- آشنا، حسام‌الدین. (۱۳۸۴). «دیپلماسی فرهنگی آمریکا در ایران؛ انجمن ایران و آمریکا». فصل‌نامه *مطالعات تاریخی*، پاییز ۱۳۸۴، ش ۹، صص ۸-۴۵.
- رشیدپور، احمد؛ فتحی، کورش. (۱۳۸۵). «روابط فرهنگی ایران و ایالات متحده آمریکا از شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲». فصل‌نامه *تاریخ روابط خارجی*، زمستان ۱۳۸۵، ش ۲۹، صص ۱۹۷-۲۳۶.
- طاهر احمدی، محمود. (۱۳۷۲). «نخستین مدارس میسیون‌های آمریکایی در ایران». *گنجینه اسناد*، زمستان ۱۳۷۲، ش ۱۲، صص ۲۰-۲۸.
- متولی، عبدالله. (۱۳۸۴). «نگاهی به عمل کرد مؤسسات تبلیغی آمریکایی‌ها در ایران». فصل‌نامه *مطالعات*



تاریخی، پاییز ۱۳۸۴، ش ۹، صص ۱۰۰-۱۳۳.

مهرعلی زاده، مهدی. (۱۳۸۵). «تلاش‌های غرب‌گرایانه رژیم پهلوی برای تحکیم سلطه فرهنگی-سیاسی در اصفهان از ۱۳۴۳-۱۳۵۷ش». فصل‌نامه تاریخ پژوهان، پاییز ۱۳۸۵، ش ۷، صص ۲۴۲-۲۵۴.

مجموعه مقاله

ترابی، سهیلا. (۱۳۹۰). «روند نوگرایی در آموزش زنان تا پایان پهلوی اول». در مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی زن در تاریخ معاصر، دانشگاه زنجان، چاپ شده در کتاب زن در تاریخ ایران معاصر (از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی). تهران: کویر.

روزنامه‌ها و نشریات

اولیاء اصفهان، شماره ۱۱۰۵، ۱۳۴۵/۸/۴، اصفهان.

راه نجات، شماره ۱۰۰۰، سال ۱۳۴۴، اصفهان.

مرزهای نو (نشریه اداره اطلاعات آمریکا در تهران)، دوره ۲۱، شماره ۹، ۱۹۷۷، تهران.

مصاحبه

- اسحاقی، احمد. (۲۵ بهمن ۱۳۹۵). محل مصاحبه: خیابان عباس‌آباد، محل نگهداری: آرشیو شخصی نویسنده مقاله.

- باقریه، محمدکاظم. (۲۰ آذر ۱۳۹۶). محل مصاحبه: دانشگاه پیام نور اصفهان، محل نگهداری: آرشیو شخصی نویسنده مقاله.

- تبریزی، محمدرضا. (۱۴ دی ۱۳۹۵). محل مصاحبه: مرکز مطالعات پژوهش‌های صائب، محل نگهداری: آرشیو شخصی نویسنده مقاله.

- شیخی، محمد. (۲۱ خرداد ۱۳۹۶). محل مصاحبه: خیابان مشتاق، محل نگهداری: آرشیو شخصی نویسنده مقاله.

- صراف پیدآبادی، اکبر. (۲۵ بهمن ۱۳۹۵). محل مصاحبه: خیابان عباس‌آباد، محل نگهداری: آرشیو شخصی نویسنده مقاله.

- مسجدی، محمد. (۱۸ آذر ۱۳۹۶). محل مصاحبه: مرکز اصفهان‌شناسی، محل نگهداری: آرشیو شخصی نویسنده مقاله.

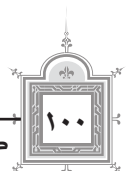
- وحدت، محمد. (۱۴ آذر ۱۳۹۶). محل مصاحبه: کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان، محل نگهداری: آرشیو شخصی نویسنده مقاله.

- وفایی، منوچهر. (۱۲ آذر ۱۳۹۵). محل مصاحبه: شهرک خانه اصفهان، محل نگهداری: آرشیو شخصی نویسنده مقاله.



English translation of resources

- Amini, Ali Reza.(1381/2002). *Tāhāvvolāt-e siyāsi va ejtemā'i-ye Irān dar do[w]rān-e Pahlavi*(Political and social developments of Iran in the Palavi period). Tehran: Sedā-ye Mo'āser.
- Ansari, Abdolreza. (1391/2012). *Nā-gofte-hū az ruz[e]gūr-e Pahlavi-hū: xāterūt-e Abdolrezā Ansāri* (The untold history of The Palavis' days: Abdolreza Ansari's memoris). Introduction and edited by Mahmoud Tolouee. Tehran: Elm.
- Ashna, Hesamodin. (1384/2005). "Diplomāsi-ye farhangi-ye Āmrikā dar Irān; An-joman-e Irān va Āmrikā (U.S. cultural diplomacy in Iran: Iran-America Society)". *Fasl-nāme-ye motāle'āt-e tūrxī* (Historical studies quarterly), autumn2005(9), pp. 8-45.
- Asnād-e Ferāmāsoneri dar Irān*(Freemasonry documents in Iran). (1380/2001). (vol.2). Tehran: Mo'assese-ye Motāle'āt va Pažuheš-hā-ye Siāsi.
- Asnād-e Lāne-ye Jāsusi, vol.7: ravābet-e Āmrikā va Irān*(Documents of U. S. espionage den, vol. 7: U. S. and Iran relations). (1373/1994). Prepared by Dānešjuyān-e Mosalmān-e Peyro[w]-e Xat-e Emām. Tehran: Markaz-e Našr-e Asnād-e Lāne-ye Jāsusi-ye Āmrikā.
- Asnād-e Lāne-ye Jāsusi, vol.13: Dexālat-hāye Āmrikā dar Irān* (Documents of U. S. espionage den, vol. 7: U. S. interfering in Iran). (1373/1994). Prepared by Dānešjuyān-e Mosalmān-e Peyro[w]-e Xat-e Emām, Tehran: Markaz-e Našr-e Asnād-e Lāne-ye Jāsusi-ye Āmrikā.
- Asnādi az Asl-e Čahār-e Truman dar Irān* (1325-1346 H. Š.) (Documents of Truman's forth principle (1946-1967). (1382/2003).(vol. 1). Edited by Teimour Bashir Gombadi. Tehran: Asnād-e Riyāsat Jomhuri.
- Asnādi az madāres-e Irāni dar xārej va madāres-e xāreji dar Irān*(1301-1317 hejri-ye šamsi) (Documents of Iranian schools abroad and foreign schools in Iran, 1922-1938).(1382/2003). (vol.1). Collected by 'Isā Abdi. Tehran: Asnād-e Riyāsat-e Jomhuri.
- Bagheriye, Mohammad Kazem. (Āzar 20,1396/ Dec.11, 2017). Interview location: Isfā-



han Payām Nur University, interview file location: personal archives of the article writer.

Basiratmanesh, Hamid. (1378/1999). *'Olamā va režim-e Rezā-Šāh: nazari bar amalkard-e siyāsi-farhangi-ye ro[w]hāniyyun dar sāl-hā-ye 1305-1320* (The clergy and Rezā-Šāh Regime: an opinion about the political-cultural performance of the clergy in 1926-1941). (vol.2). Tehran: 'Oruj.

Bill, James. (1371/1992). *'Oqāb va šir: terāžedi-ye ravābet-e Irān va Āmrikā* (The eagle and the lion: the teragedy of American Iranian relations). (vol.1). Translated by Mahvash Gholami. Tehran: Kube.

Bodaghi, Hamid Reza. (1387/2008). *Barresi-ye ravābet-e siyāsi-ye Irān va 'Iyālāt-e Mottahede-ye Āmrikā (1347-1332 Š) ba negāhi be asnād-e Vezārat-e 'Omur-e Xāreje* (A survey of Iran-U.S. diplomatic relations(1953-1967)). Tehran: Markaz-e Asnād va Tārix-e Diplomāsi.

Ehyae, Zeinab. (1382/2003). *Mostašūrān-e Āmrikā'i dar Irān be ravāyat-e asnād* (American's missions in Iran). Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi.

Elder, John. (1333/1954). *Tārix-e Mission-e Āmrikā'i dar Irān* (History of American mission in Iran). Translated by Soheil Azari. Tehran: Nur-e Jahān.

Eshaghi, Ahmad. (Bahman 25,1395/ Feb.13, 2017). Interview location: Abbās Ābād Street, interview file location: personal archives of the article writer.

Farāmāsuner-hā, rotārin-hā va lāyenz-hā-ye Irān 133-1357 (Freemasonries, rotaries, and lions of Iran in 1954-1978). (1377/1998). Edited by Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi, Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi.

Hedayat, Mahmoud. (1365/1986). *Mohājirat-hā-ye xāreji va 'elal va āsūr-e ān dar Irān* (External migration and its causes and impression in Iran). Tehran: Markaz-e Asnād va Madārek-e Sāzmān-e Barnāme va Budje.

HoushangMahdavi, Abdolreza. (1388/2009). *Siyāsāt-e xāreji-ye Irān dar do[w]rān-e Pahlavi* (Foreign policy of Iran in the Pahlavi period). Tehran: Amirkabir.

Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Marāsān) (Islamic Revolution Document Center): file no.12146/3, doc. no. 307.



- Marz-hū-ye no[w]*(United States Information Bureau in Tehran), 21(9) (1977), Tehran.
- Masjedi, Mohammad. (Āzar 18, 1396/ Dec. 9, 2017). Interview location: Markaz-e Esfahān-šenāsi, interview file location: personal archives of the article writer.
- Mehralizade, Mehdi. (1385/2006). “ Talāš-hā-ye qarab-garāyāne-ye režim-e Pahlavi barāye tahkim-e solte-ye farhangi-siyāsi dar Esfahān az 1343-1357 Š(The west-oriented attempts of Pahlavi Regime to solidify its cultural and political domination in Isfahan from 1343-1357)”, *Fasl-nāme-ye tūrix-pažuhān* (Quarterly journal of the society of history researchers), autumn 2006 (7), pp. 242-254.
- Mehralizade, Mehdi. (1386/2007). *Tūrix-e siyāsi-ye Enqelāb-e Eslāmi dar Esfahān* (Political history of Islamic Revolution in Isfahan). Isfahan: Markaz-e Esfahān-šenāsi.
- Millspaugh, Arthur Chester. (1356/1977). *Ma'muiyyat-e Āmrikā'i-hā dar Irān* (The American task in Persia). Translated by Hossein Aboutorabian. Tehran: Payām.
- Motevalli, Abdollah. (1384/2005) “ Negāhi be 'amalkard-e mo'assesāt-e tabliqi-ye Āmrikā'i-hā dar Irān (A look at American missionary institutions in Iran)”. *Fasl-nāme-ye motāle'āt-e tūrixi* (Historical studies quarterly), autumn 2005(9), pp. 100-133.
- Możākerāt-e Majles-e Šo[w]rā-ye Melli (National Council negotiations), 4th period, 118th session.
- Nemati, Nour-el-din. (1394/2015). *Ravābet-e Irān va Āmrikā dar do[w]re-ye Pahlavi-ye dovvom* (Iran and America's relations in the second Pahlavi period). Tehran: Negāh-e Mo'āser.
- '*Oliyā-e Esfahān*, no. 1105 (Oct. 26, 1966), Isfahan.
- Rāh-e nejāt*, no. 1000(1965), Isfahan.
- Rashidpoor, Ahmad; Fathi, Koorosh. (1385/2006). “ Ravābet-e farhangi-ye Irān va 'Iyālāt-e Mottahede-ye Āmrikā az Šahrivar-e 1320 tā 28-e Mordād-e 1332(Cultural relations between Iran and United States (1941-1953)”, *Fasl-nāme-ye tūrix-e ravābet-e xāreji*(History of foreign relations quarterly), winter2006(29), pp. 197-236.
- Rezazade Malek, Rahim. (1350/1971). *Tūrix-e ravābet-e Irān va Mamālek-e Motta-*



- hede-ye Āmrikā* (History of Iran and U.S. relations). Tehran: Ketābxāne-ye Tahuri.
- Rubin, Barry. (1363/1984). *Jang-e Qodrat-hā dar Irān* (Paved with good intentions: the American experience in Iran). Translated by Mahmoud Mashreghi. Tehran: Āštiyani.
- Sarraf Bidabadi, Akbar. (Bahman 25,1395/Feb. 13, 2017). Interview location: Abbās Ābād Street, interview file location: personal archives of the article writer.
- Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Iran (Sākmā) (National Library and Archives of Iran), doc. no.:297/2439.
- Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Iran, Markaz-e Esfahān (Sākmāesf) (National Library and Archives of Iran, Isfahan Branch), doc. no.:264/142, 264/949, 293/110, 293/170, 293/230, 293/485, 293/819, 293/826, 293/916, 293/949, 293/971, 293/972, 293/2486, 293/2724, 293/3143, 293/4358, 293/4641, 293/5811, 293/5939, 293/5946, 293/5964, 364/235.
- ShariatPanahi, Hessamodin. (1372/1993). *'Orupā'i-hā va lebās-e Irāniyān* (Europeans' and Iranians' clothes). Tehran: Qomes.
- Sheikhi, Mohammad. (Xordād 21, 1396/June 11, 2017). Interview location: Moštāq Street, interview file location: personal archives of the article writer.
- Shuster, Morgan.(1368/1989). *Extenāq dar Irān* (The strangling in Persia). Translated by Abolhasan Mousavi Shoushtari; edited by Esmaeel Raeen and Faramarz Barzegar. Tehran: Safi Ali Šāh.
- Tabrizchi, Mohammad Reza. (Dey14,1395/Jan.3, 2017). Interview location: Sā,eb Research Studies Center, interview file location: personal archives of the article writer.
- Taher Ahmadi, Mahmoud.(1372/1993). "Noxostin madāres-e mission-hā-ye Āmrikā'I dar Irān (First United States Mission schools in Iran)", *Ganjine-ye asnād*, winter1993(12), pp. 20-18.
- Torabi, Soheila. (1390/2011). "Ravand-e no[w]garā'i dar āmuzeš-e zanān tā pāyān-e Pahlavi-ye avval (The process of modernisms in women's education till the end of



- first Pahlavi” . Printed in *Zan dar tūrix-e Irān-e mo’āser (az Enqelāb-e Mašrute tā Enqelāb-e Eslāmi) :majmu’-ye maqālāt-e Seminār-e beynolmelali-ye zan dar tūrix-e Irān-e mo’āser, Dānešgāh-e Zanjān*(woman in contemporary history of Iran(from the Constitutional Movement to Islamic Revolution): article collection of international seminar of woman in contemporary history of Iran.Tehran: Kavir.
- Vafae, Manouchehr (Āzar 12, 1396/ Dec. 3, 2017). Interview location: Šahrak-xāne-ye Esfahān, interview file location: personal archives of the article writer.
- Vaezi, Hassan.(1379/1993). *Irān va Āmrikā: Barresi-ye siyāsat-hā-ye Āmrikā dar Irān* (Iran and United States: a study over the United States policies in Iran). Tehran: Soruš.
- Vahdat, Mohammad (Āzar 14, 1396/ Dec. 5, 2017). Interview location: Central Library of Isfahan University, interview file location: personal archives of the article writer.
- Velayati, Ali Akbar. (1387/2008). *Yek qarn ertebūt: pišine-ye ertebūt Irān va Āmrikā dar sade-ye gozašte va tašie-e tahavvolūt-e jahāni bar in rābete* (A century of relation: the background of Iran and U.S. relation in previous century and the influence of international developments on this relation). Tehran: Kānun-e Javān.
- Yārān-e emām be ravāyat-e asnād-e Sāvīk, Jeld-e 19: xādem-e šari’at: šarh-e mobārezūt-e Hazrat-e Āyatollāh Seyyed Hossein-e Xādemī* (Imam’s companions through Savak’s documents, vol.19: the servant of the shariah: explanation of Seyyed Hossein Khademi’s struggle). (1380/2001). Tehran: Markaz-e Našr-e Asnād-e Tārixi-ye Vezārat-e Ettlā’āt.

استناد به این مقاله:

گودرزی، معصومه؛ نورائی، مرتضی؛ فیاض انوش، ابوالحسن. (۱۳۹۷، تابستان). مناسبات فرهنگی و اجتماعی آمریکا با ایران در دوره پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷ش) (مطالعه موردی شهر اصفهان). گنجینه اسناد، ۲۸(۲): ۷۶-۱۰۴.

